



## Analyzing the Causes of Myths in the Text and Paintings of Khāvarān-Nāmeḥ with Emphasis on the Approach of De-mythologizing the Quran

**Sahar Zekavat** , Ph.D., Department of Art, Faculty of Art, Shahed University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [Sahar.zekavat@shahed.ac.ir](mailto:Sahar.zekavat@shahed.ac.ir)

### Extended Abstract

**Introduction:** Myths play a significant role in the cultural and social fabric of societies, while the Holy Quran adopts a negative stance towards them. The Khāvarān-Nāmeḥ is a literary text of the religious epic genre, composed by Ibn Hosām Khusfi during the Islamic era, concerning the stature and persona of Imam Ali (A.S.). The Quran's demythologizing perspective, juxtaposed with the composition of mythological poetry about Imam Ali (A.S.) by Ibn Hosām Khusfi-a devout figure committed to Islamic principles and Quranic teachings-necessitates this research. Furthermore, the objectives of this study are to identify the reasons for the incorporation of myths into the text of the Khāvarān-Nāmeḥ. The research questions are as follows:

What are the reasons for the incorporation of myths into the text of the Khāvarān-Nāmeḥ?

**Methods:** This study employs a descriptive-analytical method with a comparative approach, utilizing library, documentary, and visual sources. The research samples consist of nine illustrations from the Khāvarān-Nāmeḥ manuscript (the works of Farhād the Painter) depicting the battles of Imam Ali (A.S.) with mythical creatures and dragons, which have been compared with the text of the Khāvarān-Nāmeḥ.


**Discussion:** Research indicates that Ibn Hosām Khusfi, an Iranian Shia poet, authored the Khāvarān-Nāmeḥ with a profound awareness of the Qur'an's demythologizing approach and a deep understanding of the function and status of myths within the social fabric of his era. In composing this epic, he engaged in a comprehensive literary adaptation of Ferdowsi's Shāhnāmeḥ, utilizing its text and poetic structure as the foundational model for his own work. Through a deliberate and strategic narrative substitution-replacing Rōstān, the principal hero of the Shāhnāmeḥ, with Imam Ali (A.S.) as the central protagonist of the Khāvarān-Nāmeḥ-Ibn Hosām constructs the core of his epic narratives. This act was not merely one of replacement but a sophisticated method of deconstructing the mythological beliefs of his time from within the established mythical framework, employing an indirect and gradual process. The victories of the Commander of the Faithful, Imam Ali (A.S.), over non-Muslim adversaries-who are, significant-

ly, well-known mythological characters from the Shāhnāmeh-and over creatures such as dragons, demons, and elephant-eared beings (pil-goushān), serve a profound theological and ideological purpose. These narratives symbolically articulate the triumph of Truth over Falsehood, affirm the authenticity and legitimacy of Islam, and represent the deliverance of the Iranian people from pre-Islamic, polytheistic, and idolatrous beliefs. In essence, the poem systematically demonstrates the invalidity of the ancient myths by subsuming and overcoming them within a new, divinely sanctioned paradigm. Regarding the depiction of these mythological creatures in the Khāvarān-Nāmeḥ's illustrations, a detailed analysis reveals both adherence to and divergence from the text. The text in paintings (1) and (3) describes a fire-breathing dragon, a feature the illustrator has omitted. In painting (2), the text refers to a "black serpent," yet the artist has depicted it as a blue dragon. Meanwhile, the "aged leviathan" mentioned in the text of painting (4) is rendered not as a fish-like creature with fins, but as a dragon with limbs. For the pil-goushān, the text provides no detailed physical description. The illustrator, guided solely by the compound word meaning "elephant-eared," has depicted them as semi-humanoid entities with human bodies and faces, distinguished by large, elephantine ears. Similarly, precise specifications for the Demons are absent from the text. In painting (6), the artist relied entirely on personal imagination for their portrayal. While paintings (7) and (8) describe demons with features of elephants, lions, dragons, and leopards, only in painting (8) is a leopard-faced demon illustrated; in other instances, the illustrator demonstrates a clear lack of fidelity to the textual descriptions. In painting (9), the text only attributes the characteristic of "blackness" to a fearsome creature, which the illustrator has rendered as a fantastical being of black color. Finally, when comparing the depiction of these legendary creatures with their counterparts in various illustrated manuscripts of the Shāhnāmeḥ, it is evident that the representations of dragons and Demons in the Khāvarān-Nāmeḥ were inspired by Shāhnāmeḥ iconography. However, the visualization of the pil-goushān does not correspond with any established models from the Shāhnāmeḥ tradition, representing a unique artistic interpretation by the illustrator of this manuscript.

**Results:** The results indicate that Ibn Hosām, by adapting the Shāhnāmeḥ as a mythological source, engaged in a process of gradual demythologization. He integrated the monotheistic beliefs of Islam into the text of the Khāvarān-Nāmeḥ by centering the figure of Imam Ali (A.S.) and framing him within mythological concepts. In doing so, he introduces Imam Ali (A.S.) as the archetype of the Perfect Man to society, a finding which underscores the propagandistic nature of the Khāvarān-Nāmeḥ.

**Keywords:** Myth, Khāvarān-Nāmeḥ, Dragon, Demons, Gog and Magog (Pīl-gūshān or Elephant-eared mythical creatures), Quranic demythologization.

## تحلیل علل ورود اساطیر در متن و نگاره‌های خاوران‌نامه با تأکید بر رویکرد اسطوره‌زدایی قرآن

سحر ذکاوت 

### چکیده

اساطیر نقش مهمی در فضای فرهنگی و اجتماعی جوامع دارند و قرآن کریم رویکردی منفی به اسطوره‌ها دارد. نسخه خاوران‌نامه یکی از متون ادبی از نوع حماسه دینی است که ابن‌حسام خوسفی در دوران اسلامی، در مورد شأن و شخصیت حضرت علی (ع) سروده است. نگاه اسطوره‌زدایانه قرآن و نیز سرودن اشعاری اساطیری در مورد حضرت علی (ع) توسط ابن‌حسام خوسفی که شخصیتی متدین و متعهد به موازین اسلامی و آموزه‌های قرآنی است؛ ضرورت انجام پژوهش را ایجاب می‌نماید. همچنین شناسایی علل ورود اساطیر به متن خاوران‌نامه، هدف پژوهش است و پرسش‌ها عبارتند از: علل ورود اساطیر به متن خاوران‌نامه چیست؟ در این پژوهش اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی و تصویری به شیوه توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی بررسی شده و نمونه‌های پژوهش شامل ۹ نگاره از نسخه خاوران‌نامه (آثار فرهاد نقاش) با موضوع جنگ‌های حضرت علی (ع) با موجودات افسانه‌ای و ازدها است که با متن خاوران‌نامه مقایسه شده است. نتایج نشان می‌دهد ابن‌حسام با اقتباس از شاهنامه به عنوان منبعی اساطیری، عقاید توحیدی دین اسلام را با محوریت قراردادن شخصیت امام علی (ع) در متن خاوران‌نامه در قالب مفاهیمی اساطیری به اسطوره‌زدایی تدریجی اقدام نموده و حضرت علی (ع) را به عنوان الگوی انسان کامل به جامعه معرفی می‌کند و این موضوع بر تبلیغی بودن خاوران‌نامه تأکید دارد.

### واژگان کلیدی

اسطوره، خاوران‌نامه، ازدها، دیوان، پیل‌گوشان، اسطوره‌زدایی قرآن.

## مقدمه

اسطوره‌ها جایگاه مهمی در فرهنگ‌ها و تمدن‌های جوامع مختلف دارند و بخش جدای‌ناپذیر، انکارناپذیر و مهم در حوزه فرهنگ‌شناسی محسوب می‌شوند و بیشتر جوامع کهن با سبقه تاریخی طولانی از اساطیر گوناگونی برخوردارند. در ادیان توحیدی بالاخص اسلام و به‌ویژه در قرآن کریم نگاهی منفی به اساطیر مشاهده می‌شود و کلام خداوند در مقام رد اساطیر نازل شده‌است. با این حال در نسخه‌هایی چون خاوران‌نامه که شرح جنگ‌های مولای متقیان حضرت امیرمؤمنان (ع) در آن مصور شده‌است؛ موجودات اساطیری ترسیم شده‌اند و در شاکله داستان و شکل‌گیری روایت‌ها نقش اساسی دارند. از این‌رو شناسایی علل ورود اساطیر به متن خاوران‌نامه به عنوان هدف پژوهش، ضرورت انجام تحقیق پیش‌رو را ایجاب می‌نماید.

### پرسش‌های مطرح شده، عبارتند از:

علت ورود اساطیر به متن خاوران‌نامه چیست؟

در راستای پاسخ به پژوهش‌های مطرح شده، ابتدا تعریف اسطوره در قرآن کریم و اسطوره از منظر مفسران قرآن کریم تحلیل شده‌است. بخش بعدی پژوهش نیز به معرفی نسخه خاوران‌نامه و ویژگی‌های آن و تحلیل انواع اسطوره‌ها در نگاره‌های خاوران‌نامه و تطبیق متن و تصویر در نمونه‌ها اختصاص یافته و در نهایت ریشه‌های نفوذ اساطیر در متن خاوران‌نامه بررسی شده‌است.

### پیشینه پژوهش

مطالعات در مورد پیشینه پژوهش نشان می‌دهد پیرامون موضوع خاوران‌نامه و نگاره‌های آن پژوهش‌هایی صورت گرفته‌است. در مقاله «مقایسه ویژگی‌های سبکی حماسه‌های ملی و دینی براساس شاهنامه و خاوران‌نامه» نوشته مجیدرضا خزاعی وفا (۱۳۹۸)، مطالعات ادبیات تطبیقی، نویسنده به این نتایج دست یافته که در خاوران‌نامه، تقلید از شاهنامه فردوسی در دو حوزه لفظی و محتوایی به وضوح دیده می‌شود. مقاله «بررسی شخصیت حضرت علی (ع) در خاوران‌نامه براساس نظریه فلیپ هامون» نوشته بیگ‌زاده، مرادمرادی و نوری (۱۳۹۸)، فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا) است و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کنش‌های گفتاری، دو سطح از شخصیت حضرت علی (ع) را نشان می‌دهد که به صورت شخصیتی بی‌نیاز و توانمند و نیز شخصیتی نیازمند و ناتوان به تصویر کشیده شده‌است. «واکاوی لایه‌های معنایی در نگاره‌های نسخه خاوران‌نامه با رویکرد آیکونولوژی» نیز حاصل تلاش اخوانی و محمودی (۱۳۹۷)، هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی) است و یافته‌ها حاکی از آنست که مضامین و نحوه دید هنرمندان در سنت نگارگری ایران، به گفتمان ادبی و هنری مسلط ارجاع دارد که این گفتمان خود به‌وسیله حماسه از گفتمان اسطوره‌ای تغذیه می‌شود. افسانه نوری (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه کارشناسی

ارشد خود در دانشگاه زابل، موضوع «ریخت‌شناسی خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی بیرجندی باتکیه بر نظریه پراپ» را به عنوان رساله خود برگزیده و نتایج نشان می‌دهد که مثنوی حماسی- مذهبی خاوران‌نامه با وجود مذهبی بودن، بسیاری از کارکردهای خاص قصه‌های پریان و نیز کارکردهای مختص حماسه‌های مذهبی را دارد. نعیمه نورایی (۱۳۹۳) نیز موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه سیستان و بلوچستان به «بررسی صحنه‌های حماسی در خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی» اختصاص داده و در یافته‌ها بن‌مایه و اساس شکل‌گیری صحنه‌های حماسی در این اثر، تقابل اسلام و کفر بیان شده است. میترا کلاته صالحی (۱۳۹۳، چیدمان)، هم به موضوع «بررسی نسخه‌نگاره خاوران‌نامه محفوظ در موزه گلستان تهران در مکتب نگارگری شیراز» در زمینه مطالعات نسخه‌پژوهی خاوران‌نامه پرداخته است. این مقاله در راستای موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد میترا کلاته صالحی (۱۳۸۸)، در دانشگاه الزهراء باموضوع «کتاب‌آرایی مکتب شیراز با نگاهی به خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی بیرجندی» است و در یافته‌ها آمده نسخه مصور خاوران‌نامه، دارای ویژگی‌های ایرانی- اسلامی است؛ اسلامی از آن جهت که مضمون آن، در ستایش و مدح امام علی (ع) امام اول شیعیان و شرح دلوری‌ها و جنگ‌های حضرت و ایرانی به این دلیل که خاوران‌نامه، هم در نظم خود تابع و دنباله‌رو شاهنامه فردوسی به عنوان يك اثر حماسی کهن ایرانی است. تطبیق عنصر خیال، در متن و نگاره‌های خاوران‌نامه، با رویکرد نقد تخیلی گاستون باشلار، حاصل پژوهش حاج حسنی و محمودی (۱۳۹۳)، ادبیات تطبیقی) است و در این مقاله عنصر خیال که وجه مهم اسطوره‌ها است در ساختار نگاره‌های خاوران‌نامه بررسی شده است. مزگان اصغری‌طرقی (۱۳۹۲)، تاریخ ادبیات (پژوهش‌نامه علوم انسانی) هم در مقاله «جنبه‌های حماسی و ویژگی‌های سبکی خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی»، بیشتر از بعد ساختار ادبی به خاوران‌نامه پرداخته و به نگاره‌هایی از خاوران‌نامه اشاره کرده و نتیجه بر تقلیدی بودن متن خاوران‌نامه از شاهنامه فردوسی حکایت دارد. نتایج مطالعه زهرا بهمدی (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه زابل با عنوان «بررسی پیوند حماسه و دین در خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی» هم نشان می‌دهد که در خاوران‌نامه حماسه و دین باهم درآمیخته است. حسین غلام‌پور حصارسرخ (۱۳۹۱)، هم در پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند با موضوع «تأثیرپذیری خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی از شاهنامه فردوسی» به تقلیدی بودن متن خاوران‌نامه از شاهنامه دست یافته است. «بررسی و مقایسه نگاره‌های خاوران‌نامه منصوب به ترکمانان با نمونه‌های چاپ سنگی قاجار»، هم پایان‌نامه کارشناسی ارشد نازنین رشیدی (۱۳۹۱) در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی از پیشینه‌های دیگر این پژوهش است. حیدر اکبرزاده (۱۳۹۰)، هم در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه تبریز به «بررسی، تحلیل و معرفی حماسه‌های دینی (گشتاسب‌نامه، حمله حیدری، خاوران‌نامه، شاهدنامه)» پرداخته

است و فضای اجتماعی و سیاسی جامعه را در زمان خلق متن خاوران‌نامه واکاوی کرده است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دیگر «بررسی صحنه‌های نبرد حضرت علی (ع) در نگاره‌های خاوران‌نامه (نسخه فرهاد نقاش)»، نوشته سعیده رضایی‌پور (۱۳۹۰) در دانشگاه سیستان و بلوچستان است و یافته‌ها نشان می‌دهد حضرت امیرمؤمنان (ع)، در نگاره‌های خاوران‌نامه در چندین‌گونه صحنه نبرد شامل نبرد با جنگاوران، دیوان و اهریمنان و جادوگران و جانوران (اژدها) تصویر شده و شیوه جنگ در میدان به صورت تن‌به‌تن و یا گروهی است. سحرناز سپندی‌فرد (۱۳۹۰)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه هنر تهران به «بررسی و تجزیه و تحلیل نگاره‌های تخیلی و عجایب در خاوران‌نامه» پرداخته و نتایج پیرامون میزان وفاداری تصویر به متن، نشان می‌دهد تصویرگر تاجایی که امکان داشته عین به عین متن را در تصویر بازنمایی کرده است. مجید بهدانی و حسین مهرپویا (۱۳۹۰)، هنرهای تجسمی نقش‌مایه، در مقاله «پژوهشی بر موضوع نبرد حضرت علی (ع) با اژدها در چهار نگاره از خاوران‌نامه موزه کاخ گلستان» به بررسی صوری نگاره‌ها پرداخته‌اند و یافته‌ها بر این امر تأکید می‌کند که ویژگی‌های شخصیتی حضرت علی (ع) باعث شده تا در طول تاریخ به قهرمانی اسطوره‌ای بدل شود و در خاوران‌نامه اعمال و کردار پهلوانان اسطوره‌ای ایران باستان به حضرت تعمیم داده شده است.

نکته تمایز پژوهش پیش‌رو و ابعاد نوآورانه آن با مطالعات انجام‌شده در اینست که مطالعات انجام‌شده در تقلیدی بودن متن خاوران‌نامه از شاهنامه اتفاق نظر دارند و پژوهش‌ها در حوزه نگارگری به بررسی ویژگی‌های صوری نگاره‌های خاوران‌نامه پرداخته‌اند و شناسایی علل ورود اساطیر به متن خاوران‌نامه و نیز شناسایی میزان پایبندی تصاویر اساطیر در نگاره‌ها به متن خاوران‌نامه و شناخت چگونگی انتقال ذهنیت نویسنده به مخاطب توسط نگارگر از نظرگاه پژوهشگران و محققان مغفول مانده است.

### روش پژوهش

در این پژوهش اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی و تصویری به شیوه توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی بررسی شده است. نمونه‌های مورد بررسی شامل ۹ نگاره از نسخه از خاوران‌نامه (آثار فرهاد نقاش) با موضوع جنگ‌های حضرت امیرمؤمنان با موجودات افسانه‌ای و اژدها است و این نمونه‌ها به صورت هدفمند و در راستای اهداف پژوهش انتخاب شده است و ۹ نگاره منتخب با متن خاوران‌نامه و نقوش تصویری شاهنامه مقایسه شده است.

### تعریف اسطوره در قرآن کریم و مفسران اسلامی

واژه اسطوره از عربی به فارسی وارد شده که معادل آن را در فارسی می‌توان «افسانه» قرار داد. (Monier, 1899: 1241) «اسطوره» در لغت عربی به معنای گفتاری است که

هیچ‌گونه پایه و اساسی ندارد و از آن به عنوان گفتاری باطل، یاد شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ۳۶۳). اسطوره در قرآن ۹ بار تکرار شده است و به معنای افسانه یا داستان یا خیال آمده است. در تمام این آیات نه‌گانه قرآن نخست در پی اثبات حقایقی است که اسطوره نیست، علت این که افرادی چنین نسبتی به آن داده‌اند، کفر و تأثیر اعمال زشت ایشان است. در آیه ۳۱ سوره انفال خبر از مشرکانی می‌دهد که نقشه قتل حضرت محمد(ص) را داشته‌اند و در مقابل تحدی قرآن ادعا نموده‌اند، چیز مهمی نیست. ما مثل آن را می‌آوریم ولی همین که عاجز ماندند در عوض ایمان به آن، تهمت اسطوره به آن چسباندند. در آیه ۲۴ سوره نحل از اول سوره در مورد عظمت نعمت‌های خدا سخن می‌گوید تا آنجا که قابل شمارش نیست ولی کافران دنبال عبادت مخلوق رفته و قیامت را که حق است، انکار نمودند و قرآن را اسطوره می‌پندارند و باتوجه به این که معاد و قرآن حق است نمی‌تواند این مطلب حق اسطوره باشد ولی کافران که در گناه غلطیده‌اند حق را نادیده می‌گیرند، نظیر همین آیه، آیات ۸۳ سوره مومنون و ۶۸ سوره نحل است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ج ۱۱، ص ۱۶۸، و ج ۱۴، ص ۲۹۳ و ج ۱۵، ص ۵۲۸) در تفسیر نمونه عبارت افسانه‌های پیشینیان (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۵: ۱) برای اسطوره به کار رفته است. اساطیر در معنای دیگری نیز آمده است: نبشته‌های زینت یافته و زیبا. در تفسیر ره‌نما از لسان العرب نقل شده که کفار، ایراد و اتهاماتی به پیامبر می‌زدند و با جدال و سرسختی قرآن را اسطوره می‌خواندند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۷۳-۴). در قرآن کریم که دارای متن مقدس متواتر و قطع یا الصدور از جانب ذات متعال است، جایی برای اسطوره نیست. تمام مفسران قرآن بار معنایی منفی از اساطیر استنباط کرده‌اند که در وقایع واقعی، زمان و مکان هم مختصات تعریف شده‌ای دارند، نه باورهای ذهنی و عجیب و غریب در تأویل‌های جاهلی و غیرتوحیدی (حاج سیدجوادی، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

### معرفی نسخه خاوران‌نامه و ویژگی‌های آن

خاوران‌نامه، یکی از منظومه‌های حماسی مذهبی اثر ابن حسام خوسفی است (پیراوی ونک، سیاه‌وش دستجردی، ۱۳۹۰: ۲). محمد بن حسام‌الدین حسن بن شمس‌الدین محمد خوسفی، معروف به ابن حسام، از شاعران شیعه مذهب و مداح رسول و خاندان او در قرن نهم هجری قمری است (اصغری طرقی، ۱۳۹۲: ۲۲). به نقل از ابن حسام، نظم خاوران‌نامه در سال ۸۳۰ ه. ق به اتمام رسیده و صاحب نظران معتقدند این اثر، آخرین تقلید مهمی است که از شاهنامه فردوسی انجام شده است (ذکاء، ۱۳۴۳: ۱۹). در بیشتر داستان‌های حماسی، موضوع اصلی و شاه‌بیت‌های آن‌ها، بیان زندگی افتخارآمیز مولای متقیان، علی(ع) و یاران باوفای آن حضرت بوده است. مایه اصلی این قبیل داستان‌ها، از حوادث خیالی بر آن‌ها افزوده شده است (انواری، ۱۳۸۱: ۲۰). در این کتاب، سفرهای حضرت علی(ع) با همراهی مالک اشتر و ابوالمحقن به سرزمین خاوران و هم‌چنین نبردهای او با قباد، پادشاه خاورزمین و دیگر شاهان

بت پرستی چون طهماس شاه و صلصال شاه و نیز جنگ با دیو و اژدها و امثال این وقایع به رشته تحریر درآمده است (پیراوی و نک، سیاهوش دستجردی، ۱۳۹۰: ۲-۳). اساساً در خاوران نامه داستان‌هایی نقل شده و به تصویر درآمده که بُعدی اسطوره‌ای و افسانه‌ای داشته و ریشه در اعتقادات و آیین‌های گذشتگان دارد و در آن‌ها سخن از جنگ حضرت امیر(ع) با اژدها و دیو و جن و حوادث خیالی می‌رود که لازمه آثار حماسی است (شریعت، زینلی، ۱۳۸۸: ۴۷). احتمالاً هدف از بیان این داستان‌ها، تحکیم ایمان مردم و برانگیختن حس تحسین شیعیان و دوستداران آل علی(ع) بوده است که بنا به پسند عوام در آن روزگار، در کنار حوادث تاریخی، سخن از جنگ با اژدها و دیو می‌رود (صداقت، ۱۳۸۵: ۱۰۴). از خاوران نامه نسخه‌های گوناگونی از دوره‌های مختلف برجای مانده و نسخه مصور موجود در کتابخانه کاخ گلستان یکی از این نمونه‌ها است. به احتمال زیاد این نسخه دارای ۶۸۵ برگ بوده که ۶۴۵ برگ آن موجود است و این برگه‌ها از جنس کاغذ ختایی به قطع ۲۷۵ در ۳۸۵ میلی‌متر است و این نسخه دارای ۱۵۵ نگاره بوده که ۱۱۵ نگاره از آن باقی مانده است (ارجمنداینانو، ۱۳۸۸: ۵۴). تعدادی از این نگاره‌ها امضای هنرمندی به نام «فرهاد» با عنوان «حقیرترین بندگان» را دارند که متعلق به ۵۸۸۱ ق هستند (رهنورد، ۱۳۹۳: ۱۰۱). فرهاد، نقاش شیرازی، در اواخر سده نهم ه. ق نگاره‌های این نسخه از خاوران نامه را مصور کرده است و پژوهشگران نگاره‌های این کتاب را متعلق به مکتب شیراز و به عبارت دقیق‌تر متعلق به شیوه ترکمانی از مکتب شیراز دانسته‌اند (ارجمنداینانو، ۱۳۸۸: ۵۴). در مورد ویژگی‌ها و مشخصه‌های نسخه خاوران نامه موجود در کاخ گلستان باید اشاره کرد اغلب نگاره‌های آن، ترکیب‌بندی‌های نومایه‌ای هستند که مهارت طراحی و تخیل قوی فرهاد را نشان می‌دهند (پاکباز، ۱۳۹۲: ۷۷).

### تحلیل انواع اسطوره‌ها در نگاره‌های خاوران نامه و تطبیق متن و تصویر در نمونه‌ها

در این پژوهش ۹ نگاره از فرهاد نقاش از نسخه خاوران نامه بررسی شده و در این نگاره‌ها موجودات افسانه‌ای و اساطیری در چهار گروه شناسایی و طبقه‌بندی شده است که شامل موارد زیر است:

۱. گروه اول: موجودات ترکیب یافته از چند حیوان؛
۲. گروه دوم: موجودات ترکیب یافته از انسان و حیوان؛
۳. گروه سوم: موجودات ترکیب یافته از انسان، حیوان و پرنده؛
۴. گروه چهارم: فیگورهایی ترکیبی دارای فرم‌های تحریف شده، به صورتی که از شکل طبیعی خود خارج شده‌اند. (رضایی پور، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

موجودات افسانه‌ای و اساطیری که نشانگر نیروهای شر و در مقابل حضرت امیرمؤمنان توصیف و مصور شده‌اند؛ از جهت ترکیب و ساختار وجودی در چهار گروه نام برده طبقه‌بندی می‌شوند اما از نوع نمود عینی به صورت اژدها، پیل‌گوشان و دیوان تصویر شده‌اند.

در جدول (۱) انواع موجودات افسانه‌ای و اساطیری اهریمنی در خاوران‌نامه به تفکیک نگاره‌ها ارائه شده است و برای روشن شدن منبع الهام موجودات افسانه‌ای اساطیری خاوران‌نامه، معادل‌های مصور شده این موجودات در نگاره‌های شاهنامه نمایش داده شده است. در مورد پایبندی نقش موجودات اسطوره‌ای اژدها، پیل‌گوشان و دیوان در خاوران‌نامه نیز باید خاطر نشان کرد اژدها در متن نگاره (۱) و (۳) دهانی آتش افکن دارد که نگارگر آن را ترسیم نکرده و در متن نگاره (۲)، نیز از واژه مار سیاه نام برده شده و نگارگر آن را اژدهایی آبی‌رنگ مصور کرده است. در متن نگاره (۴) هم از سالخورده‌نهنگی یاد شده که نگارگر آن را اژدهایی دارای دست و پا مصور کرده و با حالتی ماهی‌گونه و باله‌دار ترسیم نکرده است. با مقایسه نقش اژدها در نگاره‌های خاوران‌نامه با نمونه‌های نگاره‌های نسخه‌های مختلف شاهنامه شایان ذکر است که نگارگر در مصورسازی اژدها الهام و اقتباس مستقیمی از نگاره‌های شاهنامه داشته است. در مورد پیل‌گوشان نیز جزئیات و مشخصات ظاهری این موجودات در متن خاوران‌نامه ذکر نشده اما نگارگر با توجه به واژه پیل‌گوش که در متن اشعار آمده؛ موجوداتی نیمه‌انسانی را ترسیم نموده که بدن و چهره انسانی و گوش‌هایی مانند گوش‌های فیل دارند. مقایسه پیل‌گوشان در نگاره خاوران‌نامه (تصویر ۵ از جدول ۱) با نمونه‌های شاهنامه نشان می‌دهد پیل‌گوشان نگاره خاوران‌نامه منطبق با نگاره‌های شاهنامه نیست. زیرا ویژگی فیل‌گوشی در نگاره‌های شاهنامه رعایت نشده است و در تصویر (۱۴)، پیل‌گوشان گوش‌هایی کشیده شبیه گوش‌های گربه‌سانان دارند و در تصویر (۱۵) نیمه‌عریان و مانند انسان‌های اولیه با مو، ریش و سبیل بلند و ژولیده مصور شده‌اند و در تصویر (۱۶) نیز مانند دیوان ترسیم شده‌اند. اما وجه اشتراک نمونه خاوران‌نامه و نگاره‌های شاهنامه در ترسیم نیمه‌عریان این موجودات است. دیوان نیز موجودات دیگر مصور شده در نگاره‌های خاوران‌نامه و شاهنامه هستند که مشخصات دقیقی از این موجودات نیز در خاوران‌نامه ذکر نشده و نگارگر در نمونه‌های (۶) کاملاً با تکیه بر تخیل خود به نقش‌آفرینی اقدام نموده است. در نمونه (۷) از دیوانی یاد شده که مشخصاتی چون چهره فیل، شیر و اژدها دارند و در نمونه (۸) عبارات دیوان شیر، فیل و پلنگ‌سان در متن آمده که مشخصاتی چون چهره فیل، شیر و پلنگ دارند و فقط در نمونه (۸)، نگارگر دیوی با چهره پلنگ‌سان مطابق با متن مصور کرده است و در بقیه موارد پایبندی به متن مشاهده نمی‌شود. زیرا در نمونه (۷) دیو شاخ‌دار، انسان‌مانند با چهره زشت و کریه و کرکس‌مانند ترسیم شده است. به نظر می‌رسد ترسیم دیو شاخ‌دار برای بازنمایی دیو اژدهاسان مورد توجه نگارگر قرار گرفته است. نمونه دیگری هم در تصویر (۷) دیده می‌شود که در متن از واژه فیل برای آن نام برده شده که بیشتر ویژگی‌های کرکس‌مانند دارد اما گوش‌هایش به سان گوش‌های فیل ترسیم شده است. در نمونه (۸) نیز در تطبیق با متن، دیوان شیر و فیل مانند مصور نشده است. در نمونه (۹) هم موجود هیبت‌نمای سیاه در متن اشعار آمده که نگارگر

## هم موجودی خارق‌العاده با رنگی سیاه را به تصویر کشیده است.

جدول ۱. تحلیل موجودات اساطیری در نگاره‌های خاوران‌نامه و میزان پایبندی نقش به متن و مقایسه با شاهنامه. (منبع: نویسنده)

ردیف	نقش موجود اساطیری در خاوران‌نامه	تصویر خطی موجود اساطیری در خاوران‌نامه	تصویر موجود اساطیری در نگاره‌های شاهنامه فردوسی
۱	تصویر (۱)، نقش اژدها در دشت، خاوران‌نامه. (رضایی پور، ۱۳۹۰: ۱۳۷)	تصویر (۱-۱)، نقش خطی شده اژدها. (سپندی فرد، ۱۳۹۰: ۷۳)	
	میزان پایبندی نقش اژدها به متن خاوران‌نامه	در متن نگاره اژدها کوه‌پیکر با دهانی آتش‌افکن توصیف شده که کوه‌پیکری اژدها در نگاره دیده می‌شود؛ اما دهان آن آتش‌افکن نیست.	تصویر (۱۰)، اژدها در شاهنامه، خان سوم، بین سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ میلادی. (URL2)
۲	تصویر (۲)، نقش اژدها در خانه عجایب، خاوران‌نامه. (رضایی پور، ۱۳۹۰: ۱۴۲)	تصویر (۱-۲)، نقش خطی شده اژدها. (سپندی فرد، ۱۳۹۰: ۷۲)	
	میزان پایبندی نقش اژدها به متن خاوران‌نامه	در متن نگاره موجود افسانه‌ای با نام مار سیاه بزرگ آمده است و نگارگر آن را اژدهایی آبی‌رنگ مصور کرده است.	تصویر (۱۱)، اژدها در شاهنامه ابراهیم سلطان، خان سوم، دوره تیموری. (معمارباشی اول، ۱۳۹۷: ۲۷)
۳	تصویر (۳)، نقش اژدهای کوه‌پیکر، خاوران‌نامه. (رضایی پور، ۱۳۹۰: ۱۳۸)	تصویر (۱-۳)، نقش خطی شده اژدهای کوه‌پیکر. (سپندی فرد، ۱۳۹۰: ۷۲)	
	میزان پایبندی نقش اژدها به متن خاوران‌نامه	تصویر (۱۲)، اژدها در شاهنامه، مکتب شیراز اول. (URL4)	

	<p>در متن نگاره اژدها کوه‌پیکر و بزرگ با دهانی عظیم و آتش افکن و پرحرارت توصیف شده که کوه‌پیکری و بزرگی اژدها در نگاره دیده می‌شود اما دهان اژدها آتش افکن و پرحرارت مصور نشده است.</p>	<p>میزان پایبندی نقش اژدها به متن خاوران‌نامه</p>	<p>۳</p>
<p>تصویر (۱۳)، اژدها در شاهنامه کوچک، مکتب ایلیخانی - بغداد، ۱۳۰۰ میلادی، موزه فریرواشنگتن. (شفیعی علویچه، ۱۳۹۷: ۹۲)</p>	 <p>تصویر (۴-۱)، نقش خطی شده اژدهای دریایی. (سپندی فرد، ۱۳۹۰: ۷۳)</p>	 <p>تصویر (۴)، نقش اژدهای دریایی، خاوران‌نامه. (رضایی پور، ۱۳۹۰: ۱۴۴)</p>	<p>۴</p>
<p>در متن واژه سالخورده نهنگ آمده است و در نگاره اژدهایی با دست و پا مصور شده است که با متن داستان در تناقض است.</p>	<p>میزان پایبندی نقش اژدها به متن خاوران‌نامه</p>	<p>میزان پایبندی نقش اژدها به متن خاوران‌نامه</p>	<p>۴</p>
<p>نقش اژدها در نگاره‌های خاوران‌نامه با الهام از نقش اژدها در نگاره‌های شاهنامه مصور شده است.</p>		<p>میزان پایبندی نقش اژدها به نگاره‌های شاهنامه</p>	
 <p>تصویر (۱۴)، قوم یاجوج و مأجوج در شاهنامه شیراز، آل اینجو. (URL 1)</p> 	 <p>تصویر (۵-۱)، نقش خطی شده پیل‌گوشان. (سپندی فرد، ۱۳۹۰: ۴۶)</p>	 <p>تصویر (۵)، نقش پیل‌گوشان، خاوران‌نامه. (رضایی پور، ۱۳۹۰: ۱۴۸)</p>	<p>۵</p>
<p>تصویر (۱۵)، قوم یاجوج و مأجوج در شاهنامه بزرگ ایلیخانی. (URL 3)</p>  <p>تصویر (۱۶)، قوم یاجوج و مأجوج در شاهنامه شاه اسماعیل دوم. احتمالاً مکتب قزوین. (حقایق، سجودی، ۱۳۹۴: ۱۰)</p>	<p>در متن خاوران‌نامه شرحی از جزئیات دقیق پیل‌گوشان به میان نیامده است. اما واژه پیل‌گوش یعنی فیل‌گوش در متن اشعار دیده می‌شود و نگارگر منطبق با متن موجوداتی نیمه‌انسانی را مصور کرده که بدن و چهره‌هایی انسانی و گوش‌هایی پهن چون گوش فیل دارند.</p>	<p>میزان پایبندی نقش پیل‌گوشان به متن خاوران‌نامه</p>	<p>۵</p>

<p>نقش پیل گوشان منطبق بر متن خاوران نامه با گوش های فیلی شکل مصور شده و در نگاره های شاهنامه تصویری از پیل گوشان با مشخصات تصویری گوش های فیل مانند نمونه خاوران نامه دیده نمی شود.</p>	<p>میزان پایبندی نقش پیل گوشان به نگاره های شاهنامه</p>	
<p>تصویر (۱۷)، دیو سفید در شاهنامه ایلیخانی، ۱۳۰۰ میلادی، موزه متروپولیتن. (سلیمی پور، ۱۳۹۵: ۷۸)</p> 	<p>تصویر (۶)، نقش دیوان، خاوران نامه. (رضایی پور، ۱۳۹۰: ۱۵۲)</p>  <p>تصویر (۶-۱)، نقش خطی شده دیوان. (سپندی فرد، ۱۳۹۰: ۴۸)</p>  <p>مشخصات دقیق و جزئی از دیو در متن نیامده است.</p>	<p>۶</p> <p>میزان پایبندی نقش دیوان به متن خاوران نامه</p>
<p>تصویر (۱۸)، دیو سفید در شاهنامه ایلیخانی، مکتب شیراز، موزه تویقایی سرای استانبول. (سلیمی پور، ۱۳۹۵: ۷۹)</p>  <p>تصویر (۱۹)، دیوان در شاهنامه تیموری، گالری هنری فریر، واشنگتن. (سلیمی پور، ۱۳۹۵: ۸۱)</p> 	<p>تصویر (۷-۱)، نقش خطی شده دیوان. (سپندی فرد، ۱۳۹۰: ۴۸)</p>  <p>تصویر (۷)، نقش دیوان، خاوران نامه. (رضایی پور، ۱۳۹۰: ۱۵۵)</p> 	<p>۷</p> <p>میزان پایبندی نقش دیوان به متن خاوران نامه</p>
<p>در متن به دیوانی با شکل و هیبت فیل، شیر و ازدها اشاره شده و در نگاره نقش دیوان شاخ دار، انسان گونه و کرکس مانند دیده می شود.</p>	<p>میزان پایبندی نقش دیوان به متن خاوران نامه</p>	<p>میزان پایبندی نقش دیوان به متن خاوران نامه</p>

 <p>تصویر (۲۰)، دیوان در شاهنامه تیموری، موزه هنر اسلامی-ترک استانبول. (سلیمی پور، ۱۳۹۵: ۸۱)</p>	 <p>تصویر (۸-۱)، نقش خطی شده دیوان. (سپندی فرد، ۱۳۹۰: ۴۸)</p>	 <p>تصویر (۸)، نقش دیوان، خاوران‌نامه. (رضایی پور، ۱۳۹۰: ۱۵۷)</p>	<p>۸</p>
 <p>تصویر (۲۱)، اکوان دیو در شاهنامه مکتب هرات تیموری، دارالکتب قاهره، مصر. (سلیمی پور، ۱۳۹۵: ۸۵)</p>	<p>در متن از دیوانی با هیبت شیر، فیل و پلنگ نام برده شده است و در نگاره دیوی با شکل پلنگ مصور شده و نمونه‌هایی با مشخصات شیر و فیل دیده نمی‌شود و دیوان نگاره با هیبت انسانی زشت و موجودی شاخ‌دار مصور شده است.</p>	<p>میزان پایبندی نقش دیوان به متن خاوران‌نامه</p>	
<p>تصویر (۹)، نقش خطی شده دیو شیرسوار. (سپندی فرد، ۱۳۹۰: ۴۷)</p>	 <p>تصویر (۹)، نقش خطی شده دیو شیرسوار. (سپندی فرد، ۱۳۹۰: ۴۷)</p>	 <p>تصویر (۹)، نقش دیو شیرسوار، خاوران‌نامه. (رضایی پور، ۱۳۹۰: ۱۶۰)</p>	<p>۹</p>
<p>در متن خاوران‌نامه از این موجود افسانه‌ای با نام موجود سیاه نام برده شده و جزئیات مشخصات آن ذکر نشده و در نگاره دیوی سیاه‌رنگ جلب توجه می‌کند.</p>	<p>میزان پایبندی نقش دیوان به متن خاوران‌نامه</p>	<p>میزان پایبندی نقش دیوان به متن شاهنامه</p>	
<p>نقش دیوان در نگاره‌های خاوران‌نامه با الهام از نگاره‌های شاهنامه مصور شده است.</p>		<p>میزان پایبندی نقش دیوان به نگاره‌های شاهنامه</p>	

### ریشه‌های نفوذ اساطیر در متن خاوران‌نامه

ابن حسام از خاندانی شیعه مذهب بود و در فنون ادب، علوم شرعی، و اخبار و آثار و سیر بزرگان دین، مهارت بسیار داشت (اصغری طرقی، ۱۳۹۲: ۲۲) اجداد ابن حسام هم اهل علم و فضیلت و دانش و ادب و ارشاد بوده‌اند و جد او شیخ شمس‌الدین زاهد است

(شکوهِی، ۱۳۳۵: ۲۲) ابن حسام در اشعار خود آمیزه‌ای از حماسه، باورهای مذهبی، اسطوره و تاریخ را به‌گونه‌ای باهم همراه کرده‌است (خزاعی وفا، ۱۳۹۸: ۳۹۱) نکته‌ای که در مورد شخصیت اخلاقی ابن حسام جالب توجه است روح عدالت جوی اوست. زیرا ظلم و ستم و بیدادگری روح حساس شاعر می‌آزرده و از این رو در اشعارش تلاش می‌کرده همواره اطرافیان‌ش به خصوص حاکمان زمان خود را به رعایت عدل و داد و عدالتگری دعوت نماید. در مجموع شاعری برای ابن حسام هدف و غایت نیست بلکه وسیله‌ای برای آشکارسازی منش بالا و شخصیت بارز و والای انسان کامل است. او شاعری آزاده و آزاداندیش است که شعر را نه برای بهره‌مندی‌های مادی و تمتع دنیوی و راهیابی به دربار حکام و سلاطین، بلکه به جهت نیاز معنوی، اعتقادی و درونی خود و نیز رسالت انسانی خود سروده است. او هم‌چنین ارادت خاصی به پنج تن آل عبا داشته و آرزوی شفاعت ایشان را داشته‌است (بهمدی، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۲). در مورد فضای اجتماعی حاکم بر دوران ابن حسام خوسفی لازم به ذکر است «قراقویونلوها سلسله‌ای شیعی بودند و این نسخه از خاوران‌نامه تحت حمایت پیربداق در اواخر سده نهم ه. ق در شیراز مصور شد و احتمالاً مصورسازی این نسخه شیعی، تحت سرپرستی خلیل، رهبر آق‌قویونلوها، توسط هنرمندانی که پس از مرگ پیربداق در شیراز ماندند، ادامه یافت» (کلاته صالحی، ۱۳۹۳: ۷۲). «اگرچه در دوران حکومت خلیل، مذهب تسنن مذهب رسمی بود، نگاره‌های خاوران‌نامه نشان می‌دهد که هنرمندان و حامیان آن به امام علی (ع) در چندین موقعیت تصویری با توصیف قدرت او به عنوان قدرتی همانند شیر احترام می‌گذاشتند و می‌توان چنین فرض کرد که حکمرانان ترکمن همان سیاست تیموریان را در احترام به شیعه و مفاهیم آن پی گرفتند و حمایت‌شان برای مصورسازی نسخه خطی خاوران‌نامه، به منظور تملق‌گویی از موضوعات شیعی است» (شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۸۷). در متن خاوران‌نامه نمود و جلوه‌های دین اسلام را می‌توان در مواردی چون ذکر نام و یاد خدا، دعوت به اسلام و ارتباط با اصول و فروع دین خلاصه نمود و ابن حسام در اشعار خاوران‌نامه به‌طور مفصل به موضوعاتی نظیر توحید، یکتاپرستی و ستایش یزدان و مناجات او، نبوت و امامت و مدح و ستایش پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) به‌ویژه مولا علی (ع)، عدل، معاد و ظلم ستیزی و مبارزه با بی‌عدالتی، نماز و توجه به آن، جهاد و نبرد برای ترویج دین اسلام و مبارزه با کفر و بت‌پرستی، مناجات و یاری خواستن از خدا و پیروزی بر رقیبان و دشمنان و امید و اتکای پهلوان به حضرت حق با تمام زور بازو و توانمندی پرداخته است (بهمدی، ۱۳۹۱). در خاوران‌نامه حضرت علی (ع) که مظهر خیر و فداکاری و دلاوری و سرشار از زیبایی‌های معنوی است علیه دنیایی که در آن قوای شر زندگی می‌کند قیام کرده و مردم را از گمراهی و تاریکی و وسوسه نیروهای اهریمنی به سعادت و بهشت جاویدان هدایت می‌کند. او خیر کاملی است که علیه شر (دیوان و ازدهایان) قیام می‌کند (شین‌دشتگل، ۱۳۸۰: ۹۳). نگارنده در خاوران‌نامه با بیان اساطیری، از این تضاد شخصیت‌های داستانی استفاده می‌کند تا معنای حق و باطل را در عصر خود نشان دهد.

این روایات و داستان‌ها به سبب دارا بودن نمادهای تصویری و جنبه‌های تشبیهی و خارق‌العاده موجب شده که نگارگران از ویژگی‌های اساطیری و همچنین تزئینی عناصر داستان برای نشان دادن مظاهر خیر و شر بهره ببرند (شین‌دشتگل، ۱۳۸۰: ۹۴). شخصیت و سیمای حضرت علی (ع)، در خاوران‌نامه مصداق بارز بحث اسطوره‌ای شدن شخصیت تاریخی است که میرچا الیاده آن را در کتاب اسطوره بازگشت جاودانه بیان می‌کند (بهدانی، مهریویا، ۱۳۹۰: ۳۸). در این سنت حماسی، اشخاص تاریخی مطابق با الگوهای پهلوانان باستانی به افرادی اساطیری تبدیل می‌شوند و به دنبال آن، رخداد‌های واقعی زندگی‌شان نیز رنگ و بوی اسطوره‌ای پیدا می‌کند (الیاده، ۱۳۷۸: ۵۷). «از این رو در ناخودآگاه همگانی مردم ایران در عین اعتقاد کامل به جنبه‌های تاریخی احوال امام علی (ع)، برمبنای همان گرایش ناخودآگاه به ویژه در قالب داستان که خیال‌پردازی و توجه به نمونه‌های مثالی و اساطیری از خصوصیات آن است، حضرت علی (ع) را بر الگوی رستم و گرشاسب ساخته و ظاهر کرده است» (آیدنلو، ۱۳۸۳: ۱۹۳). «در خاوران‌نامه و منظومه‌های مشابه برخلاف حماسه‌ها و روایت‌های عیاری، هدف اعتقادی و اجتماعی است یعنی شاعر علاوه بر اقناع نفس به انگیزه مبارزه جویی قلم برداشته و با استفاده از روایات تاریخی در یک بافت تخیلی اغراق‌آمیز حوادثی مؤثر، مشعر بر فضایل و مناقب اعتقادی شخصیت‌های معلوم و مورد علاقه را به نظم می‌آورد. این طبع‌آزمایی اگرچه به انگیزه تبرک جویی، اقناع نفس و بیان اعتقاد صورت می‌گیرد اما در حقیقت نوعی معارضه و مقابله فکری و فرهنگی با مخالفان است. به همین سبب این منظومه‌ها گرچه در مبارزه جویی با حماسه‌ها و روایت‌های عیاری همسانی دارد؛ اما از جهت هدف با آن‌ها متفاوت است این‌جا نه شکل بندی ملیتی مورد نظر است و نه تلاش در راه ایجاد حکومتی، بلکه چنان که گفته شد هدف مفاخره تعارضی و تقابلی با مخالفان و اقناع نفس است» (راشدمحصل، ۱۳۸۸: ۵۲). در منظومه‌های دینی به ویژه خاوران‌نامه شخصیت اصلی حضرت امیرالمؤمنین (ع) است و اشخاص دیگر پیرامون این محور تشخیص می‌یابند. از این رو اعمال خارق‌العاده از جهت خواننده جنبه اعتقادی دارد و حاصل کرامات و فضایل آن حضرت در پیوند با پروردگار است یعنی مجموعه حوادث به نوعی بیان فضیلت و منقبت، یا توصیف خصوصیات و حالات آن حضرت است و جنبه‌های مبالغه‌آمیز آن هم توجیه اعتقادی دارد (راشدمحصل، ۱۳۸۸: ۵۳). دکتر ذبیح‌الله صفا در کتاب حماسه‌سرایی در ایران در مورد افسانه‌های منسوب به حضرت علی (ع) چنین نقل کرده است: «در باب امام اول شیعیان، میان شیعه تدریجاً داستان‌هایی پدید آمده که بعضی از آن‌ها مبتنی بر حوادث تاریخی... و شجاعت‌های وی بوده، منتها به تدریج عناصر داستانی بر آن‌ها افزوده شده است. برخی دیگر از داستان‌ها به کلی دور از حقیقت تاریخی و افسانه محض است که اندک‌اندک میان ملت ایران بر اثر اخلاص شدید این قوم به حضرت علی (ع) و درآمدن او در صف پهلوانان ملی وجود یافت، مانند داستان پهلوانی‌های وی در سرزمین خاور که در خاوران‌نامه» ذکر شده است (صفا، ۱۳۶۳: ۳۷۷). در

خاوران نامه جنگ‌هایی روایت شده‌اند که بانگیزه مذهبی میان مسلمانان و کافران (غیرمسلمانان) درمی‌گیرد و در نهایت، قهرمان اصلی داستان، یعنی حضرت علی (ع) با استعانت از قوت جسم و عوامل ماوراء طبیعی، این جدال‌ها را به نفع مسلمانان پایان می‌دهد (خزاعی و فا، ۱۳۹۸: ۳۷۰). داستان شخصیت‌ها در متن حماسه ابن حسام به لحاظ تاریخی کاملاً بی‌پایه و اساس است، اما حادثه کندن در خیبر توسط حضرت علی (ع) بازتاب شاهکار مشهور او در محاصره خیبر است. ابن حسام این نکته را تصریح می‌کند که منبع او کتابی به زبان عربی بوده است که وی آن را به شعر فارسی برگردانده است. این امر بدون شک انعکاسی از ادعای بحث برانگیز فردوسی مبنی بر به نظم درآوردن کتابی پهلوی است و نیز دیگر شاعرانی که به منبعی بیگانه و نامتعارف به عنوان مأخذ اثر خود استناد می‌کنند (خزاعی و فا، ۱۳۹۸: ۳۹۴). در مورد شخصیت‌های خاوران نامه، برخی مانند مالک اشتر، ابوالمجن، عمرو بن معدی کرب و عمرو امیه واقعیّت تاریخی دارند که دلآوری‌هایشان در غزوات صدر اسلام، ورد زبان‌ها و آشنای گوش‌هاست و پاره‌ای دیگر از شخصیت‌های داستانی هم چون عملاً ققرطاس و عبدوی صرفاً ساخته ذهن شاعر است و تنها باید از دید حماسی بدان نگریست؛ اما گروه سوم شخصیت‌هایی هستند که از شاهنام فردوسی به خاوران نامه راه یافته‌اند که ابن حسام گاه برای ذکر مثال و تشبیه و تأیید مطلب خود و گاه به عنوان شخصیتی مستقل در داستان‌هایش از آن‌ها استفاده می‌کند از جمله رستم، اسفندیار، بیژن، جمشید، بهمن، زال، سام، ضحاک، کاوس، کیخسرو، کیقباد، گستم، گودرز، گیو، منوچهر و... (بهنام فر، خسروی، ۱۳۹۱: ۲۴). در منظومه خاوران نامه با این‌که جغرافیای داستان بیرون ایران زمین است و سرزمین‌هایی که حضرت علی (ع) به آن‌ها حمله می‌کند هیچ ارتباطی با ایران ندارند و حتی در گذشته پنج هزاریتی از منظومه، یک بار نیز نام ایران در روند داستان‌ها مطرح نمی‌شود، بیشتر اسامی بزرگان و پهلوانان آن مناطق که در برابر امام می‌ایستند، ایرانی و جالب‌تر این‌که از نام‌های شخصیت‌های حماسی - اساطیری ایران است (اخوانی، محمودی، ۱۳۹۷: ۲۵). با ملاحظه چنین قراین و اشاراتی، این حدس کاملاً احتیاط‌آمیز و احتمالی به ذهن می‌رسد که شاید در خاوران نامه، نوعی تقابل میان عناصر و اشخاص ملی ایرانی (با نماد مردمان خاور و آن سه سرزمین دیگر) بامبانی و شخصیت‌های دینی در قالب امام علی (ع) و یاران ایشان مطرح شده که سرانجام با برتری اسلام به پایان می‌رسد. بر این اساس بعید نیست که ایرانی بودن بیشتر نام‌های دشمنان حضرت علی (ع) در خاوران نامه و حتی تصریح به حضور شخصیت‌هایی چون بهمن و اسفندیار در سپاه خصم و زرتشتی بودن آن‌ها و در نهایت شکست و تسلیمشان در برابر پهلوانی‌های امام و یاران ایشان، واکنشی آگاهانه به تبلیغات امویان و مروانیان برای اثبات برتری علی (ع) بر پهلوانان ایران باستان بوده است (آیدنلو، ۱۳۸۳: ۱۹۵). هم چنین ارتباط‌های مشهود میان منظومه خاوران نامه و داستان امیر حمزه خود شاهدی دیگر بر این مدعا است به طوری که در خاورزمین که بخشی از حوادث منظومه ابن حسام در آن می‌گذرد؛ در مثنوی نیز به همین مناسبت خاوران نامه

نامیده شده است، در روایات حماسی و نقلی ایران باز مطرح می‌شود؛ برای نمونه در سام‌نامه، سام به خاور زمین می‌رود و رویدادهایی برای او پیش می‌آید یا در برزنامه، سخن از جمشید شاه خاوری در شهر خاور است که تیمور / تمور فرزند برزو او را می‌گیرد و ظاهراً این همان جمشید شاه است که در خاوران‌نامه در خاور زمین اقامت دارد و از امام علی (ع) شکست می‌خورد و می‌گریزد (اخوانی، محمودی، ۱۳۹۷: ۲۵) بعضی از محققان براین عقیده‌اند که پیروزی حضرت علی (ع) و سپاه ایشان بر سرزمین‌هایی که پادشاهان آن‌ها نام‌های ایرانی دارند بازتاب نمادین فتح ایران به دست اعراب و فروپاشی دولت ساسانیان باشد و دیگر این‌که سابقه این‌گونه تقابل و استفاده از شخصیت‌های شاهنامه در برابر روایات دلآوری‌های حضرت علی (ع) در فرهنگ ایرانی طولانی است و به طور مثال به منظومه علی‌نامه سروده ربیع، هشتاد سال بعد از تدوین دوم شاهنامه اشاره کرده‌اند (رضایی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۸). برخی هم براین اعتقادند که شاهنامه و خاوران‌نامه دو جلوه از هویت ملی ایرانیان هستند (غلام‌پور حصارسرخ، ۱۳۹۱: ۲۲) و این مدعا را این‌گونه توجیه می‌کنند: «باتوجه به پیشینه اجتماعی و فرهنگی ایران، دوستی و ارادت به اهل بیت و بالاخص علی (ع) به تدریج بنا به دلایل تاریخی و اجتماعی به صورت عنصری فرهنگی و ملی درمی‌آید و گویی وارد ضمیر ناخودآگاه قوم ایرانی می‌شود و در قرن نهم ابن حسام زبان مردم می‌شود و با سرودن خاوران‌نامه، هویت ملی ایرانیان را تأکید بر عنصری مذهبی که اینک صبغه ملی گرفته است به‌گونه‌ای دیگر احیاء و معرفی می‌کند، لذا نه تنها هیچ‌گونه تعارض و تقلبی بین اندیشه‌های فردوسی و ابن حسام وجود ندارد بلکه هر دو در یک راستا و بایک هدف سروده شده‌اند و مکمل یکدیگرند و نظر کسانی که خاوران‌نامه را گواه اسلامی شدن حماسه ملی و ایرانی تصور کرده‌اند، نادرست است و باید آن را دلیل بر رواج و مقبولیت تشیع در بین ایرانیان دانست، یعنی عنصری مذهبی با پذیرش عامه مردم ایران به عنصری ملی مبدل گردیده است» (بهنام‌فر، ۱۳۸۸: ۱۷۹-۱۷۸). در تائید این مطلب در منبعی دیگر نقل شده که ابن حسام با آثار حماسی به خصوص شاهنامه فردوسی انس و الفت خاص داشته است. وی پس از خواندن شاهنامه و دیگر آثار حماسی، سرانجام داستان منثور عربی خاوران‌نامه را که دانای تازه‌نژادی در اختیار داشته است برمی‌گزیند و آن را چنان شبیه شاهنامه فردوسی به نظم می‌کشد که او را فردوسی ثانی لقب می‌دهند (غلام‌پور حصارسرخ، ۱۳۹۱: ۲۴). همچنین نقل شده که ابن حسام در ضمن سرودن خاوران‌نامه از ادامه کار خسته و افسرده می‌شود، فردوسی را در خواب دیده و از او استمداد می‌طلبد. هم‌چنین در ختم کتاب نیز تقدم و پیشوایی فردوسی را در سخن‌سرایی یادآور می‌شود (غلام‌پور حصارسرخ، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۲). این مطالب نشان می‌دهد که ابن حسام تعلق خاطری به محضر استاد بزرگ حماسه‌سرایی یعنی فردوسی داشته است. اما باتوجه به نگاه دینی و ارادت خاص ابن حسام به امامان و پیامبر اسلام و تعهد قلبی او به دین اسلام و آموزه‌های قرآنی به نظر می‌رسد ارادت او به مقام فردوسی صرفاً به دلیل استادی و دانش ادبی فردوسی بوده است و

ابن حسام با تقلید از شاهنامه فردوسی در پی تأیید نگاه اسطوره‌زای فردوسی نبوده است. بلکه برای نیل به اهدافی دیگر به سرودن خاوران نامه اقدام کرده است. با توجه به نگاه منفی قرآن به اسطوره و نیز ایمان قلبی و عمیق ابن حسام به اسلام و آموزه‌های قرآن، پس بدون شک او بر رویکرد اسطوره‌زدا و منفی قرآن به اساطیر اشراف کامل داشته است؛ اما از آن جاکه شاهنامه به شخصیت‌های اساطیری ایران باستان می‌پردازد و رویکرد آن تأکید بر ادیان ایران باستان و باورهای عمیق موجود در فرهنگ عامه مردم ایران آن زمان و نیز پیش از اسلام بوده است و این باورها در دوران ابن حسام نیز در بطن جامعه و در میان فرهنگ عامه مردم رایج بوده است؛ بنابراین ابن حسام با اقتباس از شاهنامه به عنوان منبعی اساطیری و نیز با شناخت کافی از فضای اجتماعی معاصر خود و با اشراف به کارکرد اساطیر در جامعه، هوشمندانه ارکان و عقاید توحیدی دین اسلام را با محوریت قراردادن شخصیت امیرمؤمنان در متن خاوران نامه در قالب مفاهیمی اساطیری به اسطوره‌زدایی تدریجی اقدام نموده و حضرت علی (ع) را به عنوان الگویی راستین و انسانی کامل به مردم جامعه عصر خود معرفی می‌کند و این موضوع بر تبلیغی بودن خاوران نامه تأکید دارد. در واقع ابن حسام از درون خود اسطوره‌ها و باورهای غیرمستقیم به تجزیه باورهای اساطیری اقدام می‌کند و انتخاب منبع اقتباسی‌اش یعنی متن شاهنامه فردوسی نیز به همین علت بوده است. ابن حسام با حذف رستم به عنوان شخصیت اصلی شاهنامه و جایگزین نمودن حضرت علی (ع) به عنوان شخصیت اصلی خاوران نامه، شاکله اثر خود را تشکیل می‌دهد و بنابراین پیروزی حضرت امیرمؤمنان (ع) بر دشمنان غیرمسلمان (البته شخصیت‌های اساطیری شناخته شده در شاهنامه) در متن خاوران نامه از طرفی بر موضوع پیروزی حق بر باطل و راستین و برحق بودن دین اسلام و نیز نجات مردم ایران از باورهای غیرتوحیدی و شرک‌آلود و نیز تفکرات چندخدایی کهن اشاره دارد و از طرف دیگر پیروزی حضرت بر دشمنان اساطیری و نیز موجوداتی چون اژدها و دیوان و پیل‌گوشان به نوعی باطل بودن اسطوره‌ها را بیان می‌کند و ابن حسام با این رویکرد خط بطلانی بر اساطیر می‌کشد و در میان این روایات آمیخته با باورهای اساطیری، نقطه پایان این باورهای غلط را اعلام می‌کند.

### نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد ابن حسام خوسفی شاعر شیعه ایرانی با اشراف کامل بر رویکرد اسطوره‌زدای قرآنی و کارکرد اساطیر و جایگاه آن‌ها در بطن فضای اجتماعی جامعه خود، به خلق خاوران نامه اقدام نموده است. او در سرودن اشعار خاوران نامه به طور کامل از متن شاهنامه فردوسی اقتباس کرده است و علت اصلی ورود اساطیر به اشعار و نگاره‌های خاوران نامه اقتباس و الهام ابن حسام خوسفی از اشعار شاهنامه به عنوان الگوی اثر خود است و با حذف رستم به عنوان شخصیت اصلی شاهنامه و جایگزین نمودن حضرت علی (ع) به عنوان شخصیت محوری خاوران نامه، بنیان

روایت‌های اثر خود را شکل می‌دهد و از درون خود اسطوره‌ها و با روشی غیرمستقیم و تدریجی به تجزیه باورهای اساطیری عصرش اقدام کرده‌است. پیروزی حضرت امیرمؤمنان (ع) بر دشمنان غیرمسلمان (البته شخصیت‌های اساطیری شناخته شده در شاهنامه) و موجوداتی چون اژدها و دیوان و پیل‌گوشان، بر موضوع پیروزی حق بر باطل و نیز راستین و برحق بودن دین اسلام و نیز نجات مردم ایران از باورهای غیرتوحیدی و شرک‌آلود و نیز تفکرات چندخدایی کهن اشاره دارد و به نوعی باطل بودن اسطوره‌ها را بیان می‌کند. در مورد پایبندی نقش موجودات اسطوره‌ای در خاوران‌نامه نیز که شامل اژدها، پیل‌گوشان و دیوان است؛ باید خاطر نشان کرد اژدها در متن نگاره‌های (۱) و (۳) دهانی آتش افکن دارد که نگارگر آن را ترسیم نکرده‌است و در متن نمونه (۲)، از واژه مار سیاه نام برده شده و نگارگر آن را اژدهایی آبی‌رنگ مصور کرده‌است. در متن نمونه (۴) هم از سالخورده‌نهنگی یاد شده که نگارگر آن را چون اژدهایی ترسیم کرده که دست و پا دارد و با حالتی ماهی‌گونه و باله‌دار مصور نکرده‌است. در مورد پیل‌گوشان نیز جزئیات و مشخصات ظاهری این موجودات در متن خاوران‌نامه ذکر نشده اما نگارگر با توجه به واژه پیل‌گوش که در متن اشعار آمده موجوداتی نیمه‌انسانی را ترسیم نموده که بدن و چهره انسانی و گوش‌هایی به سان گوش‌های فیل دارند. در مورد دیوان نیز لازم به ذکر است مشخصات دقیقی از این موجودات نیز در خاوران‌نامه ذکر نشده‌است و نگارگر در نمونه (۶) کاملاً با تکیه بر تخیل خود به تصویرگری اقدام نموده‌است. در نمونه‌های (۷) و (۸) نیز دیوانی با مشخصاتی چون چهره فیل، شیر، اژدها و پلنگ ذکر شده که فقط در نمونه (۸)، نگارگر دیوی با چهره پلنگ‌سان مصور کرده‌است و در بقیه موارد پایبندی به متن مشاهده نمی‌شود. در نمونه (۹) هم فقط ویژگی سیاهی به موجودی هیبت‌نمای نسبت داده شده که نگارگر هم موجودی خارق‌العاده با رنگی سیاه را به تصویر کشیده‌است. در مورد انطباق نقش این موجودات افسانه‌ای با نمونه‌های نگاره‌های نسخه‌های مختلف شاهنامه نیز باید گفت نقش اژدها و دیوان باله‌ام از نقوش شاهنامه خلق شده‌اند؛ اما نقش پیل‌گوشان با نمونه‌های شاهنامه منطبق نیستند.

### تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

## منابع و مأخذ

- ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۱۴). *لسان العرب*، جلد ۴، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- اخوانی، سعید، محمودی، فتانه، (۱۳۹۷). واکاوی لایه‌های معنایی در نگاره‌های نسخه خاوران‌نامه با رویکرد آیکونولوژی، *هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، (۲) ۲۳-۳۴، ۲۳.
- ارجمنداینانلو، مهدی، (۱۳۸۸). ضلع ثابت: اسلوبی در نگاره‌های خاوران‌نامه، *نگره*، (۱۲) ۴، ۶۲-۵۳.
- اصغری طرقي، مزگان، (۱۳۹۲). جنبه‌های حماسی و ویژگی‌های سبکی خاوران‌نامه ابن حسام خوشفی، *تاریخ ادبیات (پژوهش‌نامه علوم انسانی)*، (۷۲/۳) ۵، ۴۹-۱۷.
- الیاده، میرچا، (۱۳۷۸). *اسطوره بازگشت جاودانه*، ترجمه: بهمن سرکاراتی، تهران، نشر قطره.
- انواری، سعید، (۱۳۸۱). *خاوران‌نامه ابن حسام خوشفی بیرجندی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آیدنلو، سجاد، (۱۳۸۳). مر این نامه را خاوران‌نامه نام ...، *نامه پارسی*، (۳) ۹، ۲۰۳-۱۸۹.
- بهدانی، مجید، مهرپویا، حسین، (۱۳۹۰). پژوهشی بر موضوع نبرد حضرت علی (ع) با اژدها در چهار نگاره از خاوران‌نامه موزه کاخ گلستان، *هنرهای تجسمی نقش‌مایه*، (۷) ۴، ۳۵-۴۴.
- بهمدی، زهرا، (۱۳۹۱). بررسی پیوند حماسه و دین در *خاوران‌نامه ابن حسام خوشفی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زابل.
- بهنام‌فر، محمد، (۱۳۸۸). شاهنامه و خاوران‌نامه دو جلوه از هویت ملی ایران، *فصل‌نامه پاژ (ویژه‌نامه فردوسی)*، (۷) ۲، ۱۹۰-۱۷۷.
- بهنام‌فر، محمّد، خسروی، مجید، (۱۳۹۱). تأثیر شاهنامه بر خاوران‌نامه، *فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، (۲۶) ۷، ۳۵-۸.
- پاکباز، رویین، (۱۳۹۲). *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*، تهران: زرین و سیمین.
- پیروی‌ونک، مرضیه، سیاه‌وش دستجردی، عطرت، (۱۳۹۰). نقد و تحلیل نگاره‌های خاوران‌نامه با تأکید بر شمایل امام علی (ع)، *هنرهای تجسمی*، (۲) ۱۵-۱، ۱.
- حاج سیدجوادی، سید کمال، (۱۳۹۱). بررسی مفهوم اسطوره در سنت اسلامی، تأملی در وجوه تمایز معنای قرآنی و فهم پدیدارشناسانه از اسطوره، *کیمیای هنر*، (۲) ۱، ۱۳۴-۱۲۱.
- حقایق، آذین، سجودی، فرزانه، (۱۳۹۴). تحلیل معناشناختی دو نگاره از شاهنامه فردوسی براساس الگوی نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر، *هنرهای زیبا، هنرهای تجسمی*، (۲) ۲۰، ۱۲-۵.
- خزاعی‌وفا، مجیدرضا، (۱۳۹۸). مقایسه ویژگی‌های سبکی حماسه‌های ملی و دینی براساس شاهنامه و خاوران‌نامه، *مطالعات ادبیات تطبیقی*، (۵۰) ۱۳، ۴۰۱-۳۶۷.
- ذکاء، یحیی، (۱۳۴۳). *خاوران‌نامه (نسخه خطی و مصور موزه هنرهای تزئینی)*، هنر و مردم، (۲۰) ۲۹-۱۷.
- راشدمحصل، محمدرضا، (۱۳۸۸). *خاوران‌نامه یک حماسه دینی تاریخی یا یک منقبت‌نامه اعتقادی تبلیغی*، *نامه پژوهش*، (۱۵) ۲، ۶۷-۴۷.
- رضایی‌پور، سعیده، (۱۳۹۰). *بررسی صحنه‌های نبرد حضرت علی (ع) در نگاره‌های خاوران‌نامه (نسخه فرهاد نقاش)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- رهنورد، زهرا، (۱۳۹۳). *تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی (نگارگری)*، تهران: سمت.
- سپندی‌فرد، سحرناز، (۱۳۹۰). *بررسی و تجزیه و تحلیل نگاره‌های تخیلی و عجایب در خاوران‌نامه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تهران.

سلیمی‌پور، بنفشه. (۱۳۹۵). بررسی سیر تحول نقش دیو در فرهنگ ایران باستان و هنر نگارگری ایرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۸۴). هنر شیعی، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی.

شریعت، زهرا. زینلی، لیلا. (۱۳۸۸). جلوه‌های حماسی، ملی و مذهبی در نگاره‌های خاوران‌نامه مکتب شیراز، مطالعات هنر اسلامی، (۱۰) ۵، ۵۷-۴۳.

شفیعی‌علویچه، مریم. (۱۳۹۷). بررسی شمایل‌نگاری نگاره‌های شاهنامه‌های سده میانه با تأکید بر نقوش حیوانی (اژدها)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بنیاد ایران‌شناسی.

شکوهِ، غلامحسین. (۱۳۳۵). رساله‌ای درباره ابن‌حسام، به راهنمایی ذبیح‌الله صفا، تهران: دانشگاه تهران.

شین‌دشتگل، هلنا (۱۳۸۰). نبرد خیر و شر (حضرت علی (ع) و نبرد او با دیوان و اژدهایان)، کتاب ماه هنر، (۳۲ و ۳۱)، ۹۴-۹۲.

صدقت، فاطمه. (۱۳۸۵). نسخه خطی خاوران‌نامه شاهکار نگارگری مذهبی ترکمانان قره‌قویونلو و آق‌قویونلو، مطالعات هنر اسلامی، (۴) ۲، ۱۲۰-۱۰۳.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۳). تاریخ ادبیات در ایران، تهران: انتشارات فردوسی.

غلام‌پور حصارسرخ، حسین. (۱۳۹۱). تأثیرپذیری خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی از شاهنامه فردوسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند.

کلاته‌صالحی، میترا. (۱۳۹۳). بررسی نسخه‌نگاره خاوران‌نامه محفوظ در موزه گلستان تهران در مکتب نگارگری شیراز، چیده‌مان، (۷) ۳، ۷۵-۷۰.

معمارباشی اول، بهناز. (۱۳۹۷). شخصیت‌پردازی خان سوم شاهنامه (پیکار رستم و اژدها) در نگارگری‌های دوران تیموری، صفوی و قاجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی فردوس.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵). تفسیر نمونه: تفسیر و بررسی تازه‌ای درباره قرآن مجید با در نظر گرفتن نیازها، خواست‌ها، پرسش‌ها، مکتب‌ها و مسائل روز، جلد ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۲۱ و ۲۴، انتشارات دارالکتب اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۷). جلد ۱۵. تفسیر نمونه، تهران.

هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر. (۱۳۷۵). تفسیر رهنما، تهران.

Monier Williams (1899). *Sanskrit English Dictionary*. Oxford University Press. Entry for sutra.

URL1: [http://warfare.ga/Persia/14/1341-Iskandar\\_builds\\_a\\_wall\\_against\\_Gog-m.htm](http://warfare.ga/Persia/14/1341-Iskandar_builds_a_wall_against_Gog-m.htm) (access date: 2022/01/14.)

URL2: <https://artang.ir/kill-the-dragon/> (access date: 2022/01/14).

URL3: <https://mkeshmiri.blogspot.com/1398/04/30/post-80/> (access date: 2022/01/14).

URL4: <https://negareha.art/shiraz-first-school/> (access date: 2022/01/14).

Akhvani, Saeid, Mahmoudi, Fattaneh, (2018). Interpretation of Khavaran Nameh's paintings: an Iconology approach, *Fine Arts-Visual Arts*, (2) 23, 23-34, [in Persian]

Anvari, Saeid, (2002). *Khavarannameh of Ibn Hossam Khusfi Birjandi*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, [in Persian]

Arjomand Inanloo, Mehdi, (2009). The Fixed Side: A Style in the Illustrations of Khavaran-nameh, *Negreh*, (12) 4, 53-62, [in Persian]

Asghari Tarqqi, Mojgan, (2013). Epic aspects and stylistic features of Khavaran-nama of Ibn Hesam Khosfi, *History of Literature (Humanities Research Journal)*, (3/72) 5, 49-17, [in Persian]

- Aydenloo, Sajjad, (2004). This letter is called Khavaran-nameh ..., Persian letter (Nameh Parsi), (3) 9, 189-203, **[in Persian]**
- Behdani, Majid, Mehrpooya, Hossein, (2011). A study on the subject of the battle of Imam Ali (AS) with the dragon in four paintings from the Khavarannameh of the Golestan Palace Museum, Motif Visual Arts (Naghshmayeh), (7) 4, 35-44, **[in Persian]**
- Behmadi, Zahra, (2012). The study of the relation between epic and religion in the Ibn Hosam khoosfi's Khavaran nameh, Master's thesis, Zabol University, **[in Persian]**
- Behnamfar, Mohammad, (2009). Shahnameh and Khavarannameh: Two Manifestations of Iranian National Identity, Page Quarterly (Ferdowsi Special Edition), (7) 2, 177-190, **[in Persian]**
- Behnamfar, Mohammad, Khosravi, Majid, (2013). The Effect of Shahnameh in Khavaran Nameh, Quarterly Social-Cultural Studies of Khorasan, (26) 7, 35-8, **[in Persian]**
- Eliade, Mircea, (1999). The myth of the eternal return, or, cosmos and history, translated by Bahman Sarkarati, Tehran, Qatra Publishing House, **[in Persian]**
- Gholampour Hesarourkh, Hossein, (2012). Influence of Ibn Hossam Khusfi's Khavarannameh on Ferdowsi's Shahnameh, Master's thesis, University of Birjand, **[in Persian]**
- Haghayegh, Azin, Sojoodi, Farzan, (2015). Semantic Analysis of Two Paintings of Ferdowsi's Shahnameh: An Analysis of the Cultural Semiotic Model, Fine Arts, Visual Arts, (2) 20, 12-5, **[in Persian]**
- Haj Seyyed Javadi, Seyyed Kamal, (2012). A Survey on the Concept of MYTH in Islam's Way of Treatment: Deliberating on the Quranic Meaning of "Myth's" Various Features And Its Phenomenological Connotation, Kimiya- ye- Honar, (2) 1, 121-134, **[in Persian]**
- Hashemi Rafsanjani, Ali Akbar, (1996). Tafsir Rahnama, Tehran, **[in Persian]**
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram, (1914). Lisan al-Arab, Volume 4, Beirut: Dar al-Fikr Lal-Tabaat and Al-Nashar and Al-Tawzi'a, **[in Persian]**
- Kalateh-Salehi, Mitra, (2014). Study of the manuscript of Khavaran-nameh preserved in the Golestan Museum of Tehran in the Shiraz School of Painting, Chideman, (7) 3, 75-70**[in Persian]**
- Khazaei Vafa, Majid Reza, (2019). A Comparison on religious and National Epics' Stylistic Features Based on Shahnameh and Khavaran Nameh, Comparative Literature Studies, (50) 13, 367-401, **[in Persian]**
- Makarem Shirazi, Nasser, (1988). Exemplary commentary (Tafsireh Nemouneh), Tehran, **[in Persian]**
- Makarem Shirazi, Nasser, (2006). Exemplary commentary: A New Interpretation and Study of the Holy Quran Considering the Needs, Demands, Questions, Schools, and Issues of the Day, Volumes 11, 15, 21, and 24, Dar al-Kutub al-Islami Publications, **[in Persian]**
- Memarbashi Avval, Behnaz, (2019). Characterization of third labor in Shahnameh (Battle of Rostam and Dragon) in the Timurid, Safavid and Qajar era illustrations, Master's Thesis, Ferdows Institute of Higher Education, **[in Persian]**
- Monier Williams (1899). Sanskrit English Dictionary. Oxford University Press. Entry for sutra.
- Pakbaz, Rooin, (2000). Iranian Painting from Ancient Times to the Present, Tehran: Narestan, **[in Persian]**
- Piravivanak, Marzieh, Siahvash Dastjerdi, Atrat, (2011). Criticism and Analysis of the paintings of Khavarannameh with Emphasis on the Image of Imam Ali (AS), Visual Arts, (2), 1-15, **[in Persian]**
- Rahnavard, Zahra. (2014). History of Iranian Art in the Islamic Period (Painting), Tehran:

Samt, [in Persian]

Rashed Mohassel, Mohammad Reza. (2009). Khavarannameh: A Historical Religious Epic or a Propagandist Doctrinal Manghabetnameh, Nameh Pahoejosh, (15)2, 47-67, [in Persian]

Rezaeipour, Saeedeh, (2011), Study of the Battle Scenes of Imam Ali (as) in Khavarannameh Paintings (Farhad Naghash Manuscript), Master Thesis in Art Research, Sistan and Baluchestan University, [in Persian]

Safa, Zabihollah, (1984). History of Literature in Iran, Tehran: Ferdowsi Publications, [in Persian]

Salimipour, Banafsheh. (2017). The survey of transformation of the demon impression in the Persian ancient culture and miniature, Master's thesis, University of Sistan and Baluchestan, [in Persian]

Sedaghat, Fatemeh, (2006), Manuscript of Khavarannameh, a masterpiece of religious painting by the Turkmens of Qaraqyunlu and Aqqyunlu, Islamic Art Studies, 2(4), 103- 120, [in Persian].

Sepandi Fard, Saharnaz. (2011). A survey and Analyze on fictions and wonders in (Khavarannameh), Master's thesis, Tehran University of Art, [in Persian].

Shafiei Alavijeh, Maryam, (2019). The study of Iconography images of the Shahnameh of the Middle Ages, Emphasizing animal Motifs (Dragon), Master's thesis, Iranology Foundation, [in Persian].

Shariat, Zahra. Zeinali, Leila. (2009). Epic, National and Religious Expressions in the Paintings of the Khavarannameh of the Shiraz School, Islamic Art Studies, (10) 5, 43-57, [in Persian].

Shayestehfar, Mahnaz, (2005), Shiite Art, Tehran: Institute of Islamic Art Studies, [in Persian].

Shin Dashtgol, Helena (2001). The Battle of Good and Evil (Hazrat Ali (AS) and His Battle with the Demons and the Dragons), Ketab-e Mah- e Honar, (31 and 32), 92-94, [in Persian].

Shokoohi, Gholam Hossein, (1956). A treatise on Ibn Hossam, under the guidance of Zabihullah Safa, Tehran: University of Tehran, [in Persian].

Zoka, Yahya, (1964). Khavarannameh (manuscript and illustrated of Museum of Decorative Arts), Honar- Va- Mardom, (20), 17-29, [in Persian].

